



Evaluation of the poetic arts in the Masnavi The Qiran al-Saadeen by Ameer Khosrow

***Sara Zahra Bukhari, Syeda**

****Chand Bibi, Syeda**

Abstract:

Ameer Khosrow Dehlavi is one of the greatest and most prominent poets of the subcontinent. He lived in the 7th and 8th centuries of Hijri, he wrote precious poetry n prose in Persian language and literature. He is famous for composition of Khamasa, which was in following of Khamasa e Nizami.In addition "Qiran al-Saadeen" is also one of his famous poetry. This is a mystical and historical Masnavi,Its story is about the power and struggle to reach the throne of the king that takes place between Moezudin Kaiqubad and his father Bughrakhan. Ameer Khosrow wrote this masterpiece upon the request of Kiqbad.This article is descriptive and analytical and deals with some historical and literary aspects of his work and also has significant literary features.

Key words: Ameer Khosrow, Qiran Al Saadeen, Kaiqubad, Bughrakhan, Subcontinent

بررسی صنایع شعری در مثنوی «قران السعدین» از امیر خسرو

* سارا زبیرا بخاری، سیده

** چاند بی بی، سیده

چکیده:

امیر خسرو دهلوی از بزرگترین و برجسته‌ترین شعرای فارسی‌زبان شبه قاره هند و پاکستان است. وی که در قرن هفتم و هشتم هجری قمری می‌زیست، آثار گرانمایی در زبان و ادب فارسی از خود بر جای گذاشته‌است. عمده شهرت او به دلیل سرودن خمسه‌ای است که به تقلید از خمسه نظامی سروده شده‌است. علاوه بر خمسه، وی منظومه‌های دیگری هم سروده که «قران السعدین» یکی از آنها است. این اثر یکی از زیباترین و ارزشمندترین آثار وی است که کمتر به آن توجه شده‌است. قران السعدین یک مثنوی عرفانی و تاریخی است. در این منظومه داستان جنگی بیان شده که برای رسیدن به تاج و تخت پادشاهی میان معزالدین کیقباد و پدرش بغراخان روی می‌دهد، اما در انتهای داستان به آشتی میان این دو می‌انجامد. بنابراین یک مثنوی رزمی نیز به حساب می‌آید. امیر خسرو این شاهکار خویش را به درخواست کیقباد نوشته‌است. روش تحقیق این مقاله توصیفی و تحلیلی است و به برخی جنبه‌های تاریخی و ادبی این اثر می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این اثر علاوه بر اشارات تاریخی واجد ویژگی‌های ادبی بارزی نیز هست.

کلید واژه: امیر خسرو، قران السعدین، کیقباد، بغراخان، هند و پاکستان، مثنوی رزمی.

مقدمه:

ابوالحسن امیر خسرو دهلوی شاعر و عارف نامدار پارسی‌گوی شبه قاره هندوستان در سال ۶۳۲ خورشیدی (۶۵۱ قمری) در پتیالی هند زاده‌شد و به سال ۷۰۳ خورشیدی (۷۲۵ قمری) در دهلوی درگذشت. او هزاره تبار و هندی‌زاده بود و کلمات ترکی و هندی در شعر او بسیار است. پدرش امیر سیف‌الدین محمود یکی از امرا، امیرزادگان و افسران اهالی لاجپین هزاره در نواحی بلخ بود که هنگام یورش مغولان به هندوستان گریخت و در آنجا با زنی اهل دهلوی ازدواج کرد و به دربار شمس‌الدین التتمش، پادشاه دهلوی راه یافت. امیر خسرو مانند پدر که سمت امیرالامرای داشت در دربار رشد کرد و به سروری رسید به‌طوری که در دربار جلال‌الدین فیروزشاه به جایگاه بزرگی رسید و لقب امیری گرفت و دوران کودکی و نوجوانی را با فراگرفتن زبان و ادب فارسی در دهلوی گذراند و پس از چندی در محضر یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین مشایخ و عارفان دوران، یعنی شیخ نظام‌الدین محمد بن احمد دهلوی معروف به نظام‌الدین اولیا (۶۳۳ - ۷۲۵ هـ.ق)، شاگردی کرد. امیر خسرو برای پیر و مراد خود احترام فراوان قایل بود و با وجود این که دایم در خدمت پادشاهان و فرمانروایان بود، هیچ‌گاه از میزان ارادت و توجه او نسبت به شیخ کاسته نشد. او مانند استاد خود پیرو سلسله عرفان چشتیه بود. شیخ نیز خسرو را گرامی می‌داشت. از طریق همین شیخ با حسن دهلوی شاعر نامدار پارسی‌زبان هند آشنا شد و بین آن دو دوستی عمیقی برقرار بود.

پس از درگذشت نظام‌الدین اولیاء، امیر خسرو نیز مدت کوتاهی زیست و در همان سال ۷۰۴ (۷۲۵ قمری) بعد از شش ماه فوت مراد خود درگذشت و نزدیک آرامگاه شیخ به خاک سپرده‌شد. آرامگاه او در یکی از محله‌های شلوغ و پرتراکم دهلوی که به نام نظام‌الدین اولیاء معروف است و نزدیک به ایستگاه قطار شهری بمبئی به نام ایستگاه قطار نظام‌الدین و در نزدیکی آرامگاه همایون واقع شده و همواره میزبان جمع کثیری از مردم و زیارتگاه مسلمانان و اهل تصوف است.

این پژوهش در صدد است به روش تحلیلی با بررسی و معرفی آثار امیر خسرو از طریق درک مفهومی و روشمند گزارش‌های وی به شناخت وجوه عمده حیات فکری فرهنگی و سیاسی و اجتماعی این برهه از زمان دست یابد. داده‌های این پژوهش از طریق مراجعه به کتابخانه و استفاده از اسناد کتب و مقالات جمع‌آوری شده‌اند.

تسلط امیر خسرو بر زبان‌های مختلف و موسیقی:

امیر خسرو به سبب آشنایی با زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و هندی اطلاعات نسبتاً خوبی داشت و اشعار فراوانی در زمینه‌های مختلف سروده‌است. موسیقی هندی و ایرانی را به‌خوبی می‌شناخت. شعرش لحن و لطافتی خاص دارد و چون ترک‌نژاد و هندی‌زاده بود کلمات ترکی و هندی نیز در شعر او دیده می‌شود و می‌توان سبک وی را طلایه سبک هندی به‌شمار آورد.

وی در غزل‌سرایی پیرو سعدی بود و غالباً مضامین عشقی و مسایل عرفانی را به زبان ساده و پرسوز و گداز در بحرهای کوتاه و لطیف بیان کرده و از الفاظ و معانی شاعران متصوف ایرانی سود می‌جست. خمسه‌اش از خمسه‌های تمام مقلدین نظامی نسبتاً بهتر و برتر است او در اشعارش نظامی را به‌عنوان استادی مسلط به فن ستوده‌است.

معرفی آثار امیر خسرو دهلوی:

آثار منظوم فارسی امیر خسرو دهلوی عبارتند از:

- دیوان امیر خسرو؛ این دیوان دارای پنج دفتر است:

۱ - تحفة الصَّغَر: سروده‌های شانزده تا نوزده سالگی که شامل غزل‌ها، ترجیع‌بندها، قصیده‌ها و زندگینامه شاعر در آن ایام است.

۲-- وسط الحیوة: سروده‌های وی از بیست تا حدود سی و دو سالگی که از قطعه‌ها، غزل‌ها، رباعی‌ها، قصیده‌ها، ترجیع‌بندها تشکیل شده‌است. قصیده‌های سروده‌شده در این دیوان در ستایش علاءالدین محمد (1266—1316ء)، معزالدین کیقباد (1269—1290ء) و نظام‌الدین اولیاء می‌باشد.

۳ - غرّة‌الکمال: شامل سروده‌های وی از سی و چهار تا چهل و سه سالگی است و دارای قطعه‌ها، قصیده‌ها و ترجیع‌بندها می‌باشد.

۴ - بقیة نقیة: سروده‌های دوران پیری او که شامل یک مثنوی کوتاه، رباعی‌ها، قصیده‌ها، ترجیع‌بندها می‌باشد. در این دفتر همچنین مداحی درباره علاءالدین محمدشاه، پسر او، مرثیه‌ای در مرگ محمدشاه و برخی دیگر از امیران در این دیوان وجود دارد.

۵ - نهاییة‌الکمال: سروده‌های واپسین سال‌های حیات شاعر و مرثیه سلطان قطب‌الدین مبارک شاه (1299 - 1320ء) و قصیده‌هایی در ستایش سلطان غیاث‌الدین (1216—1287ء) در این دفتر دیده می‌شود.

- دیوان غزلیات

- هشت بهشت

- ثمانیه خسرویه

- مطلع الانوار
- آینه سکندری
- شیرین و خسرو
- مجنون و لیلی

از دیگر منظومه‌ها و تصنیف‌های امیر خسرو دهلوی به مواد زیر می‌توان اشاره نمود:

- قران السعدین
- مفتاح الفتوح
- مثنوی دولرانی و خضرخان
- سه شاهزاده سرندیپ
- نه سپهر

مثنوی قران السعدین:

به اعتبار تصنیف‌های تاریخی این اولین مثنوی امیر خسرو است. تاریخ نگارش این مثنوی ۶۸۸ ق است. خسرو این شاهکار خویش را در مدت سه ماه و در ماه رمضان به پایان رساند. نام این مثنوی «قران سعیدین» است که معنی لفظی آن عبارت است از: مقارنه دو اختر یا ستاره سعد. امیر خسرو دهلوی، شاعر بزرگ فارسی‌سرای هندوستان، شرح مبارزه احتمالی بین پدر و پسر را در قالب منظومه‌ای به همین نام در سال 688 هجری قمری به نظم درآورده است. (سمنای، غلام، ۲۰۰۰م، صص ۷۶-۷۷)

ساخته گشت از روش خامه ای	از پس سه ماه چنین نامه ای
در رمضان شد به سعادت تمام	یافت قران نامه سعدین نام
آن چه به تاریخ ز هجرت گذشت	بود سنه ششصد و هفتاد و هشت

(دانی، احمد حسن، 1976م، ص 329)

قران السعدین که مثنوی عرفانی و تاریخی است، به پیروی از مخزن الاسرار نظامی، درباره جنگ بر سر تاج و تخت و سپس آشتی میان معزالدین کیقباد، سلطان دهلی، و پدرش بغراخان، حاکم لکنوتی است. (برزگر، ۱۳۸۵ ش، ج ۴، ص ۲۷۵). اسم دیگر این مثنوی «مجمع الاوصاف» است. این مثنوی به خواهش کیقباد نوشته شده است. (صلاح الدین ۱۹۹۵ م، ۱۹۷۰ م، ص ۲۰۱)

نام این کتاب که به معنی نزدیک شدن دو ستاره میمون است، یک روایت تاریخی از یک حادثه سیاسی نیست، بلکه تنظیم شاعرانه‌ای از صحنه‌های واقعی است. دو پادشاه بغراخان و کیقباد پدر و پسر از لکنا هوتی و دهلی در اواخر قرن سیزدهم میلادی، دو قهرمان این داستان هستند که در شبه قاره اتفاق افتاده است. داستان به صورت یک رمان تاریخی نیست و شکل حماسی نیز ندارد. بلکه خسرو با ذوق و ابتکار در قالب مثنوی داستان صحنه‌های زندگی آن دوران را ترسیم کرده است. (دانی، احمدحسن، ۱۹۷۶ م، ص ۸).

خسرو بعد از دو سال یک فصل نو را به مثنوی اضافه کرد. بنابراین تعداد کامل این مثنوی ۱۳۹۴۴ بیت است. این مثنوی در نوع خود اولین مثنوی است که خسرو آن را به رشته نظم درآورده است. این مثنوی به اعتبار تصویرکشی‌های زیبا قابل ذکر است که شاعر رخداد‌های مختلف را ذکر کرده است. وقتی پدر و پسر با صلح و امن و آشتی معاملات و اختلافات خویش را پشت سر گذاشتند.

موضوع اصلی این مثنوی اینگونه است که بعد از فوت غیاث‌الدین بلین، کیقباد به جانشینی جیش انتخاب می‌شود و تا سال ۶۸۹ سلطنت دارد. (معین الدین عقیل، ۱۹۹۷ م، ص ۷۹).

تاج مکلل به زراز هر طرف	یافته مانی ز ثریا شرف
جفت ندیده در ناسفت او	مهر به پیشانی شه جفت او
گوهرش از شاه شده سر بلند	بلکه ز شه یافته گوهر بلند

(همانجا، ص ۲۶۸)

اما او بعد از اینکه به پادشاهی انتخاب می‌شود به لاهو و لعب می‌پردازد. پدرش بغراخان که در بنگال است بعد از اینکه از این ماجرا آگاه می‌شود برای سرزنش پسرش به سمت دهلی حرکت می‌کند. کیقباد هم بر علیه پدرش به مبارزه برمی‌خیزد و جنگ شروع می‌شود. اما همین که پدر و پسر به هم می‌رسند همه کنورت‌ها از بین می‌رود و پدر و پسر صلح می‌کنند و جنگ پایان می‌پذیرد.

پسر برای پدر خویش یک مپهمانی بزرگ را تدارک می‌بیند، محفل رقص و سرود به پا می‌کند. در این موقع پدر، پسر را یک تخت، تاج و پیل، هدیه کرد. (معین الدین عقیل، ۱۹۹۷ م، ص ۷۹).

مثنوی با اشعار حمد باری تعالی آغاز می‌شود:

شکر گویم که به توفیق خداوند جهان بر سرنامه ز توحید نوشتم عنوان

(دانی، احمد حسن، ۱۹۷۶م، ص: آغاز)

بعد از آن نعت و بیان معراج رسول آمده‌است:

پیش رو کوکبه انبیاء کوکبش از منزلت کبریا

(همانجا*، ص ۲۵)

شم نخستین که سر بر فراخت دורה او را شب معراج ساخت

(همانجا، ص ۳۳)

شهر دهلی چنانچه از تاریخ مشخص می‌شود دارای اهمیت تاریخی بسیاری است. خسرو هم در این مثنوی از دارالسلطنه «دهلی» به شرح ذکر کرده‌است و همین‌طور تاریخ‌نویسان به این بخش مثنوی خیلی اهمیت داده‌اند، بویژه اینکه در آن بغراخان و کیقباد ذکر شده‌اند (معین‌الدین عقیل، ۱۹۹۷م، ص ۸۱).

خسرو و در این مثنوی جابه‌جا از دهلی تعریف کرده‌است. مثلاً:

حضرت دهلی کف دین و داد جنت عدن ست که آباد باد

هست چو ذات ارم اندر صفات حرسها الله عن الحادثات

(سلیم احمد، س-ن، ص ۲۰۸)

ازین اشعار مشخص است که خسرو دهلی را به جنت عدن تشبیه می‌کند.

یقیناً این یکی از بهترین و خوبترین مثنوی‌های امیر خسرو است. امیر خسرو ملاقات پدر و پسر را به قران سعدین تشبیه کرده است و مثنوی خود را در همین معنی سروده است. وی این مثنوی را در مدت کوتاهی و در سن سی و شش سالگی به نظم درآورد. این مثنوی در ۱۸۸۵م از چاپ خانه نول کشور لکهنو به چاپ رسیده است. در این نسخه چاپی دیباچه مولوی محمد اسماعیل میرتهی هم مندرج است. (صلاح الدین

، ۱۹۹۰م، ص ۲۰۱)

مثنوی به این شعر غزل به انجام رسیده‌است:

شد سخن ختم قبولی که خدایش داده است تا ابد باقی بادا و مبادش پایان

(صلاح الدین، ۱۹۹۰م، ۲۰۱، ۳۲۳)

صنایع شعری در قران السعدین:

این اثر در کنار ارزش های تاریخی و فرهنگی دارای ارزش ادبی والایی نیز هست. صنایع شعری به کار رفته در این مثنوی نشان دهنده قدرت شاعری امیر خسرو و توجه ویژه او به این مثنوی است. او به پیروی از اسلاف خود به ویژه استاد خود نظامی تا جایی که توانسته است در به کار بردن صنایع شعری استادی خود را نشان داده است. او با استفاده از این صنایع شعری و استقبال از وزن مخزن الاسرار نظامی حق شاگردی خود را ادا نموده است.

تشبیه :

یکی از پرکاربردترین آرایه های شعری در این مثنوی تشبیه است. او در این شیوه عمدتاً با به کارگیری تشبیهات فشرده قدرت تصویرسازی خود را در شاعری به خوبی نمایان ساخته است.

تیغ زبانش که چنان تیز بود بد گهرش پس که به سنگ آزمود

(دانی، احمد حسن، ص 29)

در این بیت با استفاده از تشبیه فشرده (بلیغ) ترکیب تیغ زبان (زبان = مشبه، تیغ = مشبه به) را به کار برده است.

روز چو آخر شد و گرما گذشت چشمه خور خواست ز دریا گذشت

(همانجا، ص 206)

ترکیب چشمه خور (خور = مشبه، چشمه = مشبه به) در این بیت تشبیهی است که ضمن تناسب با واژگان دیگر شعر غروب خورشید را به زیبایی به تصویر کشیده است.

روی چو خورشید بر افروخته جان کسان را آتشی خود سوخته

(همانجا، ص 266)

در این بیت از تشبیه گسترده استفاده شده است و از یکی از سنن ادبی فارسی یعنی تشبیه روی به خورشید (روی = مشبه؛ خورشید = مشبه به) استفاده نموده است که بر میزان آگاهی شاعر بر سنن ادبی دلالت دارد.

تا دل شب نزد جگر گوشه بود دانه اشکش به مژه خوشه بود

(همانجا)

در این بیت از دو تشبیه در هم تنیده استفاده شده است و همین امر موجب زیبایی دوچندان شعر گردیده است. در تشبیه اول که به صورت فشرده است ابتدا اشک را به دانه (اشک = مشبه؛ دانه = مشبه به) و در ادامه در یک تشبیه گسترده دانه اشک را به خوشه تشبیه نموده (دانه اشک = مشبه؛ خوشه = مشبه به) که از مژه ها آویزان است. بدین ترتیب گویی شاعر تابلوی نقاشی زیبایی را به تصویر کشیده است.

بود یکجا صفت تیغ و تیر همچو نیستان و لب آبگیر

(همانجا)

در این بیت نیز شاعر به زیبایی از تشبیه ضمن لف و نشر (پیچش و گسترش) برای تصویرسازی استفاده نموده است. (تیغ و تیر = دو مشبه؛ نیستان و لب آبگیر = دو مشبه به)

استعاره:

یکی از صنایع ادبی که مهارت و هنر شاعری شاعر را بیش از دیگر صنایع ادبی نشان می‌دهد آرایه استعاره است. در این آرایه آن نوع از استعاره که به دلیل دوری مستعار و مستعار منه ذهن خواننده را بیشتر درگیر می‌کند و در نتیجه تصویرسازی و زیبایی بیشتری را القا می‌کند، استعاره مکنیه است که نوع انسان‌وارگی آن تشخیص هم نامیده می‌شود. کاربرد استعاره مکنیه (تشخیص) در این مثنوی به فراوانی دیده می‌شود که به ذکر تعدادی از آن‌ها بسنده می‌شود.

انجم آن شب همه دیده سفید طالب آن نور به چشم امید

(همانجا، ص 33)

شاعر استعاره مکنیه را در انجم به کار برده و آن‌ها را همچون انسان‌هایی در نظر گرفته است که چشمانی سفید دارند (دیده سفید). در دیده سفید نیز ایهامی نهفته است که تصویرسازی و زیبایی شعر را دوچندان می‌کند: معنای نزدیک روشنایی ستاره را بیان می‌کند

و معنای دور معنای کنایی گستاخ را به ذهن خواننده متبادر می‌کند. اما ظاهراً شاعر در اینجا از دیده‌سفید معنای مشتاق بودن را نیز اراده نموده است.

صفت حوض که در قالب سنگین گویی ریخت دستِ فلک از آب خضر صورت جان

(همانجا، ص 56)

در این بیت دو استعاره مکنیه دستِ فلک و صورتِ جان به کار گرفته شده است. که در هر دو ترکیب مشابه انسان بوده و با حذف مشابه به یکی از ملایمات آن یعنی دست و صورت ذکر شده است.

بسته جهان بند مسلسل بر آب داده کلیدش به کف آفتاب

(همانجا، ص 66)

در این بیت نیز استعاره مکنیه در ترکیب کفِ آفتاب مشهود است.

روز دگر صبح چو ضحاک شد مار سیه در شکم خاک شد

(همانجا، ص 85)

"شکم خاک" استعاره مکنیه است و هم تلمیح از ضحاک: شاهنامه فردوسی.

دیده دل و دست خداوند خویش بر رخ دریا زده صد لطمه بیش

(همانجا)

استعاره مکنیه در این بیت در ترکیب رخ دریا دیده می‌شود؛ شاعر دریا را به انسانی تشبیه نموده و پس از حذف مشابه به یکی از ملایمات آن را (= رخ) در ترکیب استعاره آورده است.

کنایه:

یکی دیگر از صنعت‌های ادبی که در دسته صنایع معنوی دسته‌بندی می‌شود کنایه است. قدما کنایه را در معنای پوشیده سخن گفتن به‌کار برده‌اند و چنان‌که پیداست معنای در لفافه سخن گفتن را نیز می‌رساند. کار خواننده این است که از مفهوم ظاهری که مقصود مورد نظر شاعر نیست به مفهوم درونی که مقصود شاعر بوده و در لفافه کلام پنهان است پی ببرد. هرچه دلالت‌های بین دال و مدلول کمتر باشد زیبایی و ارزش هنری کنایه نیز افزون می‌گردد.

روی سیاهم به تو بسته امید هم تو کنی روی سیاهم سیفد

(همانجا، ص 23)

در این بیت روی سیاه سفید کردن: کنایه از عفو و در گذر کردن کنایه از سر بلند و خرسند نمودن است

انجم آن شب همه دیده سفید طالب آن نور به چشم امید

(همانجا، ص 83)

دو عبارت کنایی در این بیت به کار رفته است در ترکیب دیده سفید چنانکه در بحث استعاره گفته شد ایهامی نهفته است که در یکی از دو معنای ایهام در این ترکیب مفهوم کنایی گستاخ بودن قابل استنباط است که امروزه نیز به صورت ترکیب چشم سفید به کار می رود. در ترکیب چشم امید نیز چشم امید داشتن: کنایه از مشتاق و آرزومند بودن است.

گشت چو دریای سپهر آگون داد روان چشمه خود را برون

(همانجا، ص 205)

دریای سپهر آگون شدن: کنایه از طلوع آفتاب شدن

زین درگه از چشم ترم پرگشت جیب و دامنم چون ریسمانی شد تنم کاندنر نر مکنون بود

(همانجا، ص 300)

جیب دامن از چشم تر پُرگشتن کنایه از اشک ریختن است که در مصراع دوم در تشبیهی پوشیده اشک به نر تشبیه شده و بر زیبایی شعر افزوده است.

تشخیص:

مدحت شاه که نامش به فلک رفته چنانک نقش کن داغ شده خشک گلی را پر ران (همانجا،

ص 1)

دل به تو داد است نشانی مرا در تو رسم گر برسانی مرا

(همانجا، ص 20)

دل در این بیت تشخیص دارد

مراعات النظیر:

مراعات النظیر یا تناسب یا باهم آیی، از صنایع لفظی بوده که شبکه معنایی ایجاد کرده و ذهن خواننده را از ابتدا تا انتهای شعر برای کشف این شبکه و روابط موجود بین اجزا به خود مشغول می‌کند و بدین شکل به ارزش هنری می‌آفریند. در جای‌جای اشعار امیر خسرو در قران السعدین این آرایه دیده می‌شود که در ادامه به چند نمونه بسنده می‌شود.

صفت فصل خزان و به مغل عزم سپاه هم بدانسان که به تاراج چمن باد خزان

(دانی، احمد حسن، ص 7)

در این بیت میان واژه‌های فصل، خزان، چمن مراعات نظیر برقرار است.

صفت موسم گرما و به ره رفتن شاه ابر بالای سر و باد و به دنبال عنان

(همانجا، ص 5)

در این بیت شعر همچون یک تابلوی نقاشی، راه رفتن شاه در فصل گرما را با شبکه‌ای از معانی که با مراعات النظیری که با واژگان موسم، گرما، ابر و باد ساخته است، توصیف نموده است. همچنین در ابیات زیر این صنعت توسط شاعر به زیبایی به کار گرفته شده است.

صفت ساقی رعنا که کند مستان را بیک آمدش خود بی هش و مست و غلطان

(همانجا، ص 9)

مراعات النظیر در: ساقی، مست و غلطان؛

قطره چسانش به فیض عمیم حمل صدف بسته ز در یتیم

(همانجا، ص 17)

مراعات النظیر در: قطره، صدف و در؛

بنده سنگش در و لعل و عقیق زو همه آزادی بیت العتیق

(همانجا، ص 55)

مراعات النظیر در: سنگ، در، لعل، عقیق؛

تضاد:

صنعت تضاد نیز از صنایع لفظی بوده که در اینجا صرفاً ابیاتی که در آن‌ها با این صنعت تصاویر بدیع ارائه گردیده است آورده می‌شود.

صفت آتش و آن گرم روی هاش بدی که شب و روز بود شمع دل و میوه جان

(همانجا، ص 2)

در مصراع دوم و در واژگان شب و روز ضمن آرایه تضاد لف و نشر و تشبیه نیز دیده می‌شود که این صنایع در کنار هم موجب زیبایی و تصویرسازی در شعر گردیده است = در شب همانند شمع دل و در روز همانند میوه جان؛

نور نخستش چو علم بر کشید شام دم را سحر آمد پدید

(دانی، احمد حسن، 1976م، ص 27)

در این بیت نیز شاعر ضمن به کار بردن تضاد در واژگان شام و سحر عبارت کنایی علم برکشیدن را در معنای آشکار شدن و طلوع خورشید به کار برده و صنعت تشخیص را نیز به مدد گرفته تا تصویری در هم چون یک تابلوی نقاشی به خواننده ارائه کند؛ همچنین در ابیات زیر که از این صنعت برای هنر‌نمایی خود به کار گرفته است:

از پی بر رفتن بر آسمان کرده زمین تا به فلک نردبان

(همانجا، ص 56)

زمین، آسمان که تقابل دارند در کنار فلک مراعات‌النظیر نیز به یاری شاعر آمده است.

نغزی این گل که به تری مغز داد به خشکی و تری بوی نغز

(همانجا، ص 111)

تری و خشکی؛

صبح هم از تافتگه شب برست طالب شب گشته چراغی به دست

(همانجا، ص 158)

صبح و شب؛

جناس:

انواع مختلف این صنعت نیز که در زمرة صنایع لفظی قرار می‌گیرد کاربردی فراوان در قران السعدین دارد که فهرستوار به برخی از این کاربردها اشاره می‌شود:

دیدن او هست ز مردم دروغ تا هم از و دیده نیابد فروغ

(همانجا، ص 15)

دیدن، دیده؛ جناس ناقص اختلافی در پایان و دروغ، فروغ جناس ناقص اختلافی در آغاز؛

تیغ برهنه که بپوشید دشت برهنه را بین که چه پوشیده گشت

(همانجا، ص 82)

برهنه، برهنه جناس تام و دشت، گشت جناس ناقص اختلافی در آغاز؛

کرد چو خورشید به وقت غروب طالع خود بر همه آفاق خوب

(همانجا، ص 104)

قطرة آبی که به هنگام غرق بگذرد* از گردن و آن گه ز فرق

(همانجا، ص 122)

جناس اختلافی در آغاز غرق، فرق؛ ضمن این‌که این بیت واج‌آرایی در حروف «گ» و «ز» نیز دارد.

ز اول روزش به طرب تا به شام دور نشد می ز کف و لب ز جام

(دانی، احمد حسن، 1976م، ص 139)

شام، جام؛

تلمیح در قران السعدین:

امیر خسرو در قران السعدین اشارات فراوانی به وقایع تاریخی به‌ویژه به شأن و منزلت پیامبر و برخی وقایع تاریخی دیگر که در قرآن آمده‌اند، دارد که در ادامه فهرستوار به آن‌ها اشاره می‌شود:

وصف معراج پیامبر که به شب روشن شد سر اسرارش از زلف سیه مشک افشان (ص:1)
اشاره به معراج پیامبر؛

صفت حوض که در قالب سنگین گویی ریخت دست فلک از آب خضر صورت جان
(همانجا، ص2)

اشاره به آب حیات و داستان حضرت خضر پیامبر؛

صفت آن شب قدر است که با مطلع فجر بر آن روح و ملک بود سلام یزدان
(همانجا، ص7)

اشاره به شب قدر و آیات سوره قدر؛

گر به مثل نیک و گر به بد بوم در کنف و ظل و مجد بوم
(همانجا، ص25)

ختم نبوت شده بر هان او مصحف ختم آمده در شان او

(همانجا، ص26)

اشاره به ختم نبوت؛

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

امیر خسرو دهلوی شاعر پارسی‌گوی شبه‌قاره هند و پاکستان و معروف به بلبل هند، منظومه قران‌السعدین خود را به تقلید از مخزن‌الاسرار نظامی در قالب مثنوی و در توصیف نبرد معزالدین

کیقباد پادشاه دهلی و پدرش بغراخان سروده است. این اثر او جزء یکی از فاخرترین آثار ادب فارسی به شمار می‌رود. این مثنوی با مضمونی حماسی - تاریخی با به‌کارگیری صنایع لفظی و معنوی و تصویرسازی‌های بدیع به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار امیرخسرو قرار می‌گیرد. در این نوشته با بررسی صنایع شعری این منظومه، مشخص گردید این اثر ضمن دارا بودن محتوای تاریخی، با دارا بودن شاخص‌های هنری به‌عنوان یک اثر ادبی طراز اول حایز توجه و تدقق بیشتر است. ضمن اینکه با بررسی اشعار این منظومه مشخص گردید وجود مجموعه‌ای از صنایع لفظی و معنوی در هم تنیده در این اشعار نشان‌دهنده قدرت شاعری امیرخسرو است.

کتاب شناسی و منابع:

##- بزرگر ، ۱۳۷۲ ش، دانشنامه ادب فارسی، تهران: سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

##- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۴ ش، تهران: باکاروان حله ، علمی.

##- میرزا وحید ، ۲۰۰۵ م، سوانح عمری امیر خسرو ، لاهور: بک هوم

##- فرشته ، محمد قاسم، ۱۹۹۸ م، تاریخ فرشته، لاهور: دوست ایسوسی ایشن .

##- جعفری ، ریاض ، ۲۰۰۹ م، طوطی هند امیر خسرو، لاهور: سیونته سکائی پبلیکشنز

##- خورجوی، محمد نقی خان، (بی تا) ، حیات امیر خسرو، لاهور : غلام علی اینڈ سنز پبلیکشنز

##- احمد، شیخ سلیم ، ۱۹۷۶م، امیر خسرو، دهلی: اداره ادبیات،

##- امیر خسرو، ۱۹۸۸م، قرآن السعدین اداره ادبیات، دلی _ امیر

##- خسرو ۱۹۷۶، قرآن السعدین، پروفیسور احمد حسن دانی، اسلام آباد، پاکستان: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

##- نوشاهی عارف

##- خوانی احمد بن جلالدین محمد (1341 ش)مجمل فصیحی مقدمه تصیح و تحشیه محمود فرخ مشهد : کتاب فروشی باستان.

##- دهلوی امیر خسرو شمار می روند(1367ش) نه سپهر کلکته بیست مشنپریس.

##- برات زنجانی، 1377 ش، صورخیال در خمسه نظامی، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.

##- فریور ، حسین ، 1322 ش، تاریخ ادبیان و تاریخ شعرا، تهران.

##- فلیحه زهرا کاظمی، سیده، 1391، نه سپهر امیر خسرو تحول تازه ای در حماسه سرایی، دانش، شماره، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.

##- نظامی، خلیق احمد، بی تا، دولرانی خضرخان، اداره ادبیات دهلی.

##- معین الدین عقیل